

کتاب چهارم
درس اخلاقی

مسئلہ

ایادی امرالله - علی اکبر فروتن

طهران - ایران
سنه ۱۳۶۱ بدیع

موسسه ملی مطبوعات امری

مقدمة مؤلف

- ۱- کتاب چهارم مخصوص آموزگاران کلاس‌های چهارم - درس اخلاق تألیف و درآن برای مزید بصیرت آموزگاران محترم و تسهیل امر تعلیم کلیه مواد دستور بین ایام و ساعات تحصیلی تقسیم گردیده است .
- ۲- قبل از شروع بتدريس مواد این کتاب مستدعي است آموزگاران محترم مندرجات کتاب اول و دوم را بدقت مطالعه و ماراز اعاده و تکرار طالب آن در این مقام مستغنى فرمایند .
- ۳- تعلیم مواد دستور در این سال نیزمانند سال‌های قبل شفا‌هی است و کتاب مخصوصی جهت قرائت اطفال معین نگشته است .
- ۴- در ایان هر درسی آموزگار محترم نتیجه و ما حصل آن - درس را در ضمن جمله کوتاهی بیان نموده بشادرگان دستور میدهند که آن جمله را در منزل روی قطعه کاغذی با خط جلی نوشته هفته آتیه با خود بیا ورند (به بدی خط اطفال نباید اهمیت داد) ازین اوراق مزبور آموزگاران خوش خط قریسن و یا کیزه ترین آنرا انتخاب و در نمایشگاه کلاس که عبارت از - اطاق کوچک مخصوص و یا عبارت از یک گوشه اطاق درس است بدیوار نصب مینمایند . در ایان سال تحصیلی آن نمایشگاه نماینده معلومات و اطلاعات اطفال خواهد بود بقیه اوراق

را آموزگاران محترم بخود شاگردان مسترد میدارند تا در منازل
خوبیش بدمیوار اطاق خود شان بیا و یزند البته فوائد این ترتیب
برای تجسم مطالب درسی در نظر شاگردان برآموزگاران -
واضح و عیان و سختاج بشرح و بیان نیست .

تبصره اول - هرگاه در ابتدای سال اطفال از عهد نوشتن
برنیایند این ترتیب به بعد ^{ناموکول} گردید تا در مدرسه قدری
بخوانند و نوشتن آشنا شوند .

تبصره دوم - هرگاه ترتیب نمایشگاه دائمی بواسطه نبودن
 محل مخصوص امکان پذیر نیست آموزگاران اوراق اطفال را
 در دو سیمه مخصوص مضبوط و در آخر سال تحصیلی نمایشگاه
 کلاس را ترتیب میدهند .

تبصره سوم - اگرچه ممکن بود که شاگردان عین بیانات مبارکه
 را روی اوراق مرقوم دارند ولی برای حفظ مقام و اهمیت
 بیانات مقدسه انساب و اولی آنکه مفاد و مفهوم جمل اخلاقیه
 یاعبارات دیگر بر شته تحریر درآید .

تذکرمهم ترتیب نمایشگاه کلاس بین انداره ضروری ولازم -
 است زیرا :

اولا - وسائل تشویق و تحریص اطفال فراهم میشود
 ثانیا ب نماینده حسی و عیانی معلومات اطفال است .
 ثالثا - بمنزله محفظه آثار شاگردان هر کلاسی است و باید

آموزگاران از ابتدای سال تحصیلی آثار شاگردان خود را
برای نمایشگاه از روی نظر و ترتیب جمع آوری نمایند .
۵ - بسیاری از مطالب لازمه که دانستن آن برای آموزگاران
محترم مفید و تذکر داده اند در این مقام برنگارنده اوراق -
حتی و لازم بود از قبیل :

طریقه تعیین درجه رشد قوای عقليه اطفال طریقه معايشه
حوالی ظاهره بخصوص چشم و گوش کودکان تدریس و تعلیم
انفرادی و اجتماعی (از مباحث کودک شناسی پد و لوزی)
تعیین پایه معلومات و مقدار تصورات اطفال حین دخول -
بکلاسهای درس اخلاق - سنجش قوه حافظه و شدت وضعف
دقت اطفال (از مباحث علم الروح پسیکولوژی) وغیره -
بواسطه فقدان وسائل اجرا و عملی نمودن آن محذوف -
گردیده و مسکوت عنه گذاشته شده است با وجود این از ذکر
نکات ذیل ناگزیرم :

الف - اسناد ترقی ویشرفت درامر تحصیل جمعیت
حوالی و توجه بمواد درسیه چنانکه در رساله اصول تدریس
دروس اخلاقیه صفحه ۱۱۲ الی ۱۴ مذکور گردیده .

اگر شاگردان بتحصیل مسئله ای از مسائل درسیه رغبت
نمداشته باشند البته دقت نخواهند کرد و هرگاه دقت نکند
بدرك مطالب موفق نخواهند شد جلب دقت اطفال بمواد

تحصیلیه بهترین وسیله ترقی آنانست و بقول عالم معروف
 آلمانی (روبرت کاتو پ) معلم خوب تری است که رغبت -
 بالنتیجه دقت اطفال را بمواد درسیه کاملا جلب نماید و آنانرا
 برای قبول مسائل لازمه حاضر کنید کی از وسائل جلب دقت
 اطفال اینستکه آموزگاران محترم قبل از دادن معلومات
 جدیده با اطفال در قسمتی از قسمتها از معلومات سابقه
 اطفال در آن قسمت اطلاع کامل حاصل نمایند و معلومات -
 جدیده را بروی پایه معلومات سابقه پایدار و استوار کنند
 ب - قبل از بیان هر مطلب تازه آموزگاران محترم پایید در
 طول یک و نیم الی دو ثانیه وسائل دقت را برای درک آن -
 مطلب آماده نمایند .

ج - باید دانست که دقت خرد سال ضعیف تر و سریع التزویل تر
 از اطفال بزرگ میباشد .

د - ممکن است بعضی از اطفال دچار برشانی حواس داشته
 باشند و نتوانند فراموش دقت خود را بدست گرفته در رسائل لازمه
 دقيق و عمیق شوند اینگونه اطفال را باید مورد تهدید و قهره
 غصب قرارداد زیرا آنان بمرحمة و شفقت واژهمه بالاتر بمنادای
 و معالجه بیشتر نیازمندند .

ه - فهم و ادراک کلیه اطفال برای درک مفهوم سوالات -
 آموزگاران یکسان نیست ممکن است بعضی مضمون سوال را

غورا و برخی دیرتر ادراک نمایند و دسته بکلی از فهم آن عاجز باشند آموزگاران محترم در این مواقع حتی الامكان باید مفهوم سوالات خویش را بفهم کلیه شاگردان نزدیک سازند.

و- قبل از طرح هر موضوع و تعیین و تشریح هر مسئله آموزگاران محترم تبلیا باید اطفال را بوسیله سوالات واضحه کاملابا موضوع آشنا و آنان را براي تفکر و تعمق در آن قسمت حاضر نمایند و خودشان بدون مقدمه وابتدا باسکن شروع بیان مسائل نکنند (باصول تدریس دروس اخلاقیه مراجعه گردد)

ز- برای اجرای احکام و امر مبارکه باید در اطفال خرد سال از همان دوره خردی و طفولیت در تحت نظارت و مراقبت کامل مریبان محترم قوه اراده که منبع و منشاً جمیع اعمال و افعال انسانی است بنحو اکمل و اتم پرورش و تربیت یابد و یقد رامکان اساس آن در وجود آنان تقویت واستحکام یافته برمیور مطلوب دور زند تازم افکار و فتا آنان در قبضه اقتدارشان قرار گرفته دستخوش حوادث و امیال غیر مرضیه و تمايلات و انحرافا مذمومه نگردد اراده قوی لازمست تا انسان بتواند جلو نفس اماره بالسو سد سدیدی برقرار نموده و در مقابل وساوس نفسانی استقامت کامل نشان دهد اگر اراده ضعیف باشد حالت انسان در مقابل وساوس شیطانی مانند حالت نهشان

نو رسیده در مقابل صرسر شدید و طوفان عظیم است یکی از علماء معروف پروفسور دارالفنون برن (پول دوبو) در کتاب مشهور خود (تربیت نفس) راجح به پرورش قوای خلا قیه و تقویت اراده در اطفال مطالبی مینگارد که ترجمه آن اینست. غالباً انسان را بترازوتشبیه مینمایند و میگویند که انسان نیز مانند ترازو فطرتا "بطرفی مایل میشود که وزین تروسنگین ترا این تشبیه چندان صحیح و مقرن بصواب نیست زیرا که ترازو مجبوراً بطرفی انحنا و تمايل میابد که آنطرف سنگینتر است و اینعمل در او حکم طبیعت واقع میشود و مطابق قوانین فیزیکی و طبیعی است ولی ترازوی عقل انسانی همیشه به سمتی متوجه و تمايل است که بنظر اوسنگینتر میسند و اوجنیمن تصور میکند که آن طرف وزین تروثیل تراست گویا در هر آن میزان عقل انسان بزیان حال میگوید من بطرفی میل میکنم که بعقیده من وینظر من آنطرف سنگینتر میاید این تمايل اخلاقی انسان بطرفی دون طرف دیگرفطری و خلقی نبوده بلکه مربوط به تعلیم و تربیت است و ممکنست ترازوی عقل یکنفر چیزی بطرفی مایل شود که ترازوی عقل یکنفر اروپائی بطرف مخالف آن تمايل حاصل نموده است "انتهی مقصود این عالم شهیر اینست که اعمال و اخلاق و افکار انسان محصول تربیت است و هر کس هر نوع تربیت یا بد بهمان طریق

نشو ونما میکند چنانکه حضرت مولی الوری ارواحنا المرقده —
 المطهر فساده میفرماید قوله الا حلی (طفل درید و نشو ونما
 چون شاخ تر و تازه باشد به رقسم بخواهی تربیت توانی اگر
 راست تربیت کنی راست گرد دود رکمال موزونی نشو ونما کند)
 و جمل القدم جل ذکره الاعظم این حقیقت را در ضمن بیانات
 مبارکه ذیل مکثوف داشته اند قوله جل کبریائه :
 (بله در وجود آیت موجود و آن انسان را از آنچه شایسته
 ولایق نیست منع مینماید و حراست میفرماید و نام آنرا حیاگذار نماید
 ولیکن این فقره مخصوص است بعد و دی کل دارای این مقام
 نبوده و نیستند) انتهی
 پس باید بطور کلی در نفوس بوسیله تربیت اخلاق و صفاتی راسخ
 نمود که آنرا از آنچه شایسته ولاائق نیست منع نماید و حراست
 فرماید چنانچه جمل القدم جل ذکره الاعظم میفرمایند قوله
 الا حلی (در دارالتعلیم باید ابتدا اولاد را پیشراحت دین
 تعلیم دهند تا وعد و وعید مذکور در کتاب الهی ایشان را از منابع
 منع نماید و بطریقاً از امور موقّع دارد) انتهی
 بنابراین باید ابتدا اراده اطفال را قوی و نیز وند ساخت تا
 بتوانند در آنچه باعانت آن قوه عجیبه که از اعظم آثار روح
 انسانی است گریبان خود را از چنگال و ساوس نفسانی مستخلص
 ساخته خویش را از انحرافات و تجاوزات نالائقه محفوظ و مصون

دارند .

بعد از آنکه اطفال از صفر سن تحت تربیت روحانی قرار -
گرفته راه را از چاهه تعیزدادند باید آن احکام و اوامر را از حیز
قول بمقام عمل آورند و از قوه بفعل رسانند و بهترین وسیله
اجرا و عملی ساختن آن تربیت و پرورش قوه اراده است -

بدین جهت آموزگاران محترم باید در طی دروس باین نکه
دقیقه کاملا عطف توجه فرموده برای پرورش قوه اراده بجمعیع
وسائل متشبیث گردند و بیقین مبین بدانند که بد ون تقویت
اراده جمیع اقدامات عقیم و بلاغه اند است بهترین وسیله
تربیت اراده در اطفال اینست که متعاقب هرگفتا ریاز آنان
کردار خواهند و مریبان محترم نیز عمل را برقول تنها ترجیح
دهند .

۶- آموزگاران محترم حتی الامکان باید از حدود پروگرام
معین برای هر کلاسی تجاوز ننمایند و وارد موارد ستور
سالهای بعد نگردند .

۷- از قائمین محترم استدعا میشود مطالب لازمه را برای
اصلاح نواعق این کتاب بتجنه محترمہ مرکزی تربیت امری
اطلاع دهند .

طهران - غلیون اکبر فروتن

بنام خداوندیکا

روز اول

موضوع اساسی - آشنایی با اطفال و تکرار موارد روز ۴ - ۵ -

۶ - ۷ سال قبل بنحو اختصار .

جریان درس

۱ - مناجات شروع - یکی از اطفال با شاره آموزگار مناجات روز دهم سال قبل را تلاوت مینماید .

۲ - آشنایی با اطفال - اگرآموزگار محترم سال گذشته در کلاس سوم مشغول تعلیم نبوده و متعلمهین فعلی خود را - نمیشناسد طبق نمونه اولین روز سال با آنان آشنایی و معارفه حاصل میفرماید و اگر از سنه ماضیه با شاگردان خویش آشناست پس از تلاوت مناجات با جرای موضوع اساسی میپردازد و اگر اطفالی جدید ابکلاس چهارم وارد شده باشند با آنان بطور علیحده آشنایی میشود .

۳ - ثبت اسمی شاگردان در فتر کلاس .

۴ - طرح موضوع اساسی - تکرار موارد درسیه روز ۴ - ۵ -

۶ - ۷ سال قبل باختصار .

۵ - تنفس

۶ - اطفال مجتمعا اشعار مبارک روز چهاردهم سنه ماضیه را بلحن مخصوص تلاوت مینمایند .

۷- مناجات ختم - یکی از اطفال با شاره آموزگار مناجات روز بیست و پنجم سال قبل را تلاوت مینماید .

۸- سفارش آموزگار - اطفال عزیز هفته آینده همه در موقع معین حاضر باشید تا بقیه درسهای سال پیش را تکرار کنیم .

روز دوم

موضوع اساسی - تکرار موارد روز ۸-۱۲-۱۳-۱۴-۱۵ سال قبل بنحو اختصار .

جریان درس

۱- مناجات شروع - یکی از اطفال مناجات روز ۲۵ سال قبل را تلاوت مینماید .

۲- طرح موضوع اساسی مطابق نمونه روز قبل
۳- تنفس

۴- استحضار از حضور و غیاب شاگردان

۵- معاینه نظافت آنان

۶- مناجات ختم

۷- سفارش آموزگار

روز سوم

موضوع اساسی - تکرار موارد روز ۹-۱۰-۱۱-۱۲-۱۳-۱۴-۱۵ سال
ماضیه

جريان درس

۱- مناجات شروع

۲- طرح موضوع اساسی

۳- تنفس

۴- تکرار اشعار مبارک (ای خدای پر عطا ز والمن)

مجتمع منفردا

۵- استحضار از حضور و غیاب شاگردان

۶- معاینه نظافت آنان

۷- مناجات ختم

۸- سفارش آموزگار

روز چهارم

موضوع اساسی - مختصری از تاریخ حیات مبارک حضرت

نقطه اولی .

جريان درس

۱- مناجات شروع

۲- بیان موضوع اساسی بروفق نمونه ذیل :

الف - اسم مبارک حضرت نقطه اولی (میرزا سید علی محمد)
و محل تولدشان شهر شیراز است .

ب - حضرت اعلی از همان زمان کودکی نزد آشنا و بیگانه به
صفات حسنی مشهور بودند و همه میدانستند که این طفل -

شهاحت با طفال دیگر ندارد و بیشتر اوقات خوش را بدعا و مناجات میگذراند و مانند سایر کودکان ببازی و گردش راغب و مایل نیست.

ج - شیخ معلم (۱) که حضرت اعلی در طفولیت نزد او درس میخواند، اند حکایت نموده که وقتی حضرت اعلی دیر بمکتب تشریف میآوردند از ایشان سئوال مینمودم که چرا دیر آمدید جوابی نمیدادند و معلوم بود که میخواهند کار خسود را پنهان کنند روزی ناچار یکفر از همدرسان ایشان را - عقب ایشان فرستادم که ببیند چه میکنند و چرا دیر بمکتب میآیند او خبر آورد که در گوشه طالار منزل ایشان بنماز و دعا مشغول بودند روز دیگر باز دیر بمکتب آمدند بودند پرسیدم آقاتا حالا کجا بودید؟ آهسته زیر لب فرمودند درخانه جدم (یعنی حضرت محمد) بیوهم من با ایشان گفتم شما هنوز طفلید و نماز بر شما واجب نیست چرا اینقدر نماز میخوانید باز آهسته بکمال ملایمت جواب دادند میخواهم مثل جدم بشوم مقصد این است که حضرت نقطه اولی از همان کودکی بدعا و مناجات و نماز خیلی مایل بودند شیخ معلم میگفته اند که با وجود یک حضرت اعلی اغلب وقت شان سرف دعایشند ولی

(۱) شیخ عابد و شیخ معلم لقب مشهور ایشان بوده است

فورا

درسشان همیشه ازدیگران بهتر بود و هر مطلب مشکلی را
یاد میگرفتند

د - حضرت اعلی درسن بیست و پنج سالگی در شهر شیراز
اظهار امر فرمودند که ایشان از جانب خداوند هدایت مردم
ظاهر شده اند و پیوسته بشارت بظهور حضرت بهاء اللہ
میدادند

چنانکه طلوع صبح بشارت بظهور آفتاب میداد

ه - حضرت اعلی بعد از اظهار امر آنی راحت نداشتند و
همیشه گرفتار زحمت واذیت در شصمان امر خدا بودند و عاقبت
در تبریز بکمال مظلومیت شهید شدند .

۳ - تنفس

۴ - استحضار از عضور و غیاب شاگردان

۵ - معاینه نظافت آنان

۶ - سفارش آموزگار - اطفال عزیز درس امروز را برای هفته
آینده خوب روان کنید .

روز پنجم

موضوع اساسی :

احوال بابیان بعد از شهادت حضرت اعلی

جريان درس

- ۱- مناجات شروع
- ۲- تکرار درس قبل
- ۳- تنفس

۴- بیان موضوع اساسی بروفق نموفه ذیل :

الف - بعد از آنکه حضرت نقطه اولی در تبریز شهید شدند با بیان یعنی آنانکه بحضرت اعلی ایمان آورده بودند از هر جهت گرفتار ازیت و آزار مردمان شدند و از هر طرف دچار ظلم و ستم آدمیان گردیدند بقسمی که عده زیادی از ایشان کشته شدند و بعضی هم فرار اختیار نمودند و جمعی بر اشر سختی و فشار ناچار از اظهار عقیده وایمان خودداری کردند ب - ظلم وعداوت آدمیان امر حضرت اعلی چنان سخت و سدید بود که همه تصور مینمودند دیگر رایران بایی باقی نمانده و خون شهیدان بهدر رفته است .

ج - ناصرالدین شاه پادشاه ایران و آخوند لشاد و دیگران همه متفقا قیام بخاموشی چراغ امریزدان نموده و هرجا یک نفر بایی میدیدند از دم شمشیر میگذرانیدند .

مقصد ایست که بعد از شهادت حضرت اعلی احوال با بیان بسیار پر ملال بود و همه متفرق و پراکنده و خاموش و افسرده

بودند .

و- این دو قصه شعر از اشعار جناب نعیم شاعر معروف
بهائی را که مناسب این مقام است از بزرگواران میباشد .
کیست آن مظہری که خوارنشد
بهزاران بلاد چارنشد

سعی گفاریا همه قدرت

مانع دین کرد گارنشد

۵- استحضار از حضور و غیاب شاگردان

۶- معاينه نظافت آنان

۷- مناجات ختم

۸- سفارش آموزگار

روز ششم

موضوع اساسی - قیام حضرت بها ؛ الله بحفظ و حراست
بابیان

جریان درس

۱- مناجات شروع

۲- بیان موضوع اساسی که حاوی مطالب ذیل است :
الف - حضرت بها ؛ الله در این گیرودار در مقابل دشمنان
خونخوار ایستادگی فرمودند و بیان رابجا نشانی واستقامت
دعوت نمودند و علم امرالله را بلند کردند و نگذاشتند که دین
خدای فراموش و این ندا خاموش شود .

ب - حضرت عبدالبهاء میفرمایند اگر جمال مبارک قیام
و امرالله را بلند نمیفرمودند امر حضرت نقطه اولی بکلی محو -
شده بود .

ج - حضرت بها « الله برخلاف دیگران حتی یک ساعت -
هم پنهان نشدند و در میان دشمنان مشهور بودند و بتربیت
و تعلیم با بیان میبرد اختند و آنان را به ترویج امر خدا تشویق
میفرمودند .

د - ناصرالدین شاه وقتی چنین دید بحبس ایشان
فرمان داد و مدت چهارماه حضرت بها « الله در حبس -
سیاه چال طهران محبوس بودند .

ه - این حبس بسیار هولناک بود و شرح آنرا حضرت
بها « الله خودشان بیان فرموده اند خلاصه آنکه دخمه
تنگ و تاریک از آن زیدان بر تزویه تربیوه از دالانی تاریک
سه پله سراشیب میشد و در زیرزمین در محلی تاریک مرد
راجای میدادند .

۳- تنفس

۴- تکرار درس قبل

۵- استحضار از حضور و غیاب شاگردان

۶- معاینه نظافت آنان

۷- مناجات ختم

۸- سفارش آموزگار

روز هفتم

موضوع اساسی - مختصر تاریخ حیات مبارک حضرت بهاء الله
جریان درس

۱- مناجات شروع

۲- تکرار درس قبل

۳- تنفس

۴- بیان موضوع اساسی حاوی مطالب ذیل :

الف - حضرت بهاء الله در شهر طهران تولد یافتند
پدرشان شخص معروف و از وزیران ایران بودند والده حضرت
بهاء الله از حالات ایشان در زمان شیرخوارگی بسیار حیران
بوده اند مثلاً میفرموده اند که این طفل ابد اگر چه نمیکند و ما نند
سائز کودکان فریاد و غافل و زاری و بیقراری نمینماید .

ب- حضرت بهاء الله در ایام طفولیت در میان یارواییار
مشهور بوده و بسیار پسیر و صفا میل داشته اند و اکثر اوقات
راد ریاغ و صحراییگذرانده اند و همه کس مجد و ب ایشان میشدند
است .

ج - وقتی حضرت نقطه اولی اظهار امر فرمودند حضرت
بهاء الله بدون درنگ فرمودند که این شخص بزرگوار از -
جانب خداوند ظاهر شده و بر همه کس لازم و واجب است که

با آن حضرت ایمان بیاورد و اورایاری نماید .

۱- چون حضرت بها ؓ الله بی پرده امر حضرت نقطه او را ترویج می فرمودند و مردم راعلنا تبلیغ مینمودند دچار اذیت و آزار دشمنان امر خدا اگر دیدند و بسیار صدمه دیدند چند دفعه حبس شدند و مدت چهارماه در زیر زنجیر بودند و بعد هم از طهران بی بغداد سرگون گشتند .

۲- وقتی در بغداد در رایغ رضوان اظهار امر فرمودند پیش از پیش گرفتار رحمت و مشقت شدند و بدخواهان و دشمنان ایشان را از بغداد به اسلامبول و از اسلامبول با در نهواز ادرنه بعکا تبعید نمودند و در آن شهر بدآب و -۳- هوا ایشان و عائله مبارکشان را مسجون کردند و بالآخره آن حضرت بعد از پنجاه سال محنت و رحمت از این عالم صعود فرمودند و راحت و آسایش خویش را فدای هدایت و تربیت اهل عالم نمودند و مردم را برآ راست دلالت کردند .

۴- استحضار از حضور و غیاب شاگردان

۵- معاینه نظافت آنان

۶- مناجات ختم

۷- سفارش آموزگار

روز هشتم

موضوع اساسی - وجوب نظافت و یا کیزگی جریان درس

۱- سناجات شروع

۲- بیان موضوع اساسی حاوی مطالب ذیل :

الف - درسالهای گذشته راجع بوجوب نظافت و یا کیزگی در امریهای بسیار باشما سمعت شده و احکام حضرت بهاء اللہ بیان گردیده امسال هم نظر باحیثیت موضوع بازیرای شمارد این باب دو بحث میکشم .

ب - حضرت بهاء اللہ دستور فرمودند که ما عیشه پاک و نظیف باشیم خانه خانی خودمان را الطیف نگهداریم ولیا سمان تمیز و بی آلا یعنی باشد و سخنوصاً سفارش فرموده اند که اهل بنا باید در غایب لطف باشند زیرا کسی که تمیز و پاک نباشد از فیض الہی محروم خواهد بود .

ج - حضرت عبد البهای فرموده اند که با کی و یا کیزگی اساس دین است و باید بهائیان عیشه و از مرجهت پاک باشند .

د - حضرت عبد البهای میفرمایند
”با کی و طهارت جسمانی تأثیر در روح انسانی کند ملاحظه نمایند“
که با کی چقدر مقبول درگاه کبریا و منصوص کتب مقدسه انبیاء است
ه - حضرت بهاء اللہ بقدرتی در این باب تأکید فرموده اند

که میفرمایند در لباس شما آثار چرک دیده نشود و اگر در لباس
کسی لکه و چرک دیده شود دعای او بسوی خداوند نمیرود
همچنین میفرمایند آب دست خورده و آبی که بوسا رنگ یا طعم
آن تغییر کرد باشد نباید استعمال شود .

و - میفرمایند بخزینه حمامهای عمومی نباید داخل شدو
آب حوضهای متعدد ران باید استعمال کرد .
ز - میفرمایند بایقظان خنها را گرفت و هر چهار استحمام
نمود و پاها را در رتا بستان هر روز در زستان هر سه روز یک فعده
باید شست .

ح - میفرمایند باید عطر و گلاب استعمال نمود .
خلافه حضرت بهما ؓ اللہ ما زاد رجیع احوال بنظافت و -
پاکیزگی دعوت فرموده و نهایت تأکید را در راین قسمت نموده اند
پس باید همیشه این موضوع را در نظر داشته باشیم و بروفقا
دستورهای مبارک عمل کیم .

۳- تنفس

۴- تکرار درس قبل

۵- استحضار از حضور و غیاب شاگردان

۶- معاينه نظافت آنان

۷- مناجات ختم

۸- سفارش آموزگار

روز نهم

موضوع اساسی - وجوب تلاوت آیات الهی در صبح و شام

جريان درس

۱- مناجات شروع

۲- بیان موضوع اساسی حاوی مطالب ذیل :

الف - حضرت بها ؟ الله ببابهایان امر فرموده اند که

باید هر صبح و شام از آیات الهی تلاوت نماییم .

ب - حضرت عبدالبهاء میفرمایند :

"هر روز صبح فرض واجب است الواح و مناجات خوانسته شود آیات غذای روح است روح قوی میشود و بدون آن از کار میلفتند "

ج - شما اطفال عزیز بر حسب امر مبارک حضرت بها ؟ الله

باید صبح و شام از آیات الهی که حفظ دارید تلاوت نمایید

ولو خواندن یک مناجات باشد تا هم دستور مبارک را اطاعت

نموده باشید و هم و وحنا ن قوی شود زیرا همان طور که

جسم غذا لازم دارد روح هم محتاج بغذا است غذای -

روح دعا و مناجات و توجه بسوی خدا است .

۳- تنفس

۴- شکار درس قبل

۵- استحضار از حضور و غیاب شاگردان

۶- معاينه نظافت آنان

۷- مناجات ختم

۸- سفارش آموزگار

روزد هم

موضوع اساسی - تعلیم مناجات

جریان درس

۱- مناجات شروع

۲- تکرار درس قبل

۳- تنفس

۴- تعلیم این مناجات مبارک :

الله کریما رحیما

توئی آن ساطانیکه بیک کلمه ات وجود موجود گشت و توئی
آن کرمیکه اعمال بندگان بخششت رامنع ننمود و ظهورات
جودت را باز نداشت از تو سئوال مینمایم این عبد را فائز
فرمائی بانجه سبب نجاتستن فرج عالم تو توئی مقتدر و
توانا و توئی عالم و دانا

۵- استحضار از حضور و غیاب شاگردان

۶- معاينه نظافت آنان

۷- مناجات ختم

۸- سفارش آموزگار

روز بیان دهم

موضوع اساسی - تکرار درس قبل

جریان درس

۱- مناجات شروع

۲- تکرار مناجات درس قبل

۳- تنفس

۴- تکرار موارد درسی گذشته بنظر آموزگار

۵- استحضار از حضور و غیاب شاگردان

۶- معاینه نظافت آنان

۷- مناجات ختم

۸- سفارش آموزگار

روز دوازدهم

موضوع اساسی - نهی از غیبت

جریان درس

۱- مناجات شروع

۲- تکرار مناجات روز دهم

۳- بیان موضوع اساسی حاوی مطالب ذیل :

الف - حضرت بها ء الله غیبت واقترا ء راحرام فرمود

و با هنرها ء تأکید اکید نموده اند که هیچ کس باین عمل

حرام آلد و نشود .

ب - غیبت عیبجوئی و ذکر بدی اشخلصراست که در -
 غیاشان بشود واگر بگوششان برسد برنجندود لتنگ شوند .

ج - حضرت بها ؎ الله میفرمایند :

(ای صهاجران لسان مخصوص ذکر من است بغیبت میالا
 واگر نفس ناری غلبه نماید بذکر عیوب خود مشغول شوید نه
 بغیبت خلق من) حضرت عبدالبهاء میفرمایند :

" بدترین خلق انسانی و گناه عظیم غیبت نفوس است
 و همچنین میفرمایند :

" مبغوض ترین اخلاق عیبجوئی است "

د - چیزی بدتر از غیبت و عیبجوئی نیست انسان باید
 همیشه خوبیهای مردم را به بیند و ذکر نماید نه بدیهای
 آنها را حضرت عبدالبهاء حکایتی میفرمایند که مضمون آن
 این است روزی حضرت مسیح باشگردان خودشان بر حیوان
 مرده ئی گذشتند یکی گفت این حیوان چقدر متعفن است -
 دیگری گفت چقدر زشت و کریه شده است حضرت مسیح -
 فرمودندند آنها اورا به بینید که چقدر سفید است مقصود
 حضرت عبدالبهاء این است که باید همیشه خوبیهای مردم
 را دیدن بدهیهای آنها را هرگز لا بدیک صفت خوبی دارد
 باید آن را دید و گفت ماراجه که بدیهای مردم را ذکر کیم در
 صورتیکه خودمان غرف عیب و گناهیم .

۵ - حضرت بهاء الله بیانی باین مضمون میفرمایند که
 هر کس عیب‌های خود را فراموش کند و بحیب‌های بندگان
 خدا مشغول شود بلعنت خدا گرفتا رخواهد بود
 پساطفال عزیز شما هرگز زبان خودتان را بخیبت می‌لائید
 و عیجوئی نکنید و پشت سر اشخاص بد نگوئید.

۴ - تنفس

۵ - استحضار از حضور و غیاب شاگردان

۶ - معاینه نظافت آنان

۷ - منا جات ختم

۸ - سفارش آموزگار

روز سیزدهم

موضوع اساسی - لزوم مراجعت بدلبیب حاذق
 جریان درس

۱ - مناجات شروع

۲ - تکرار درس قبل

۳ - تنفس

۴ - بیان موضوع اساسی حاوی مطالب ذیل :

الف - حضرت بهاء الله در کتاب مستطاب اقدس امر
 فرموده اند که شخص در موقع مرض باید بطبیب حاذق
 رجوع کند و هرچه طبیب حاذق دستور دهد بآن عمل نماید

ب - دریکی از الواح حضرت بها ؛ الله بیانی میفرمایند
که مضمون آن این است :
مریض باید بدستور طبیب عمل کند ولکن حکیم و طبیب باید
حاذق باشد و در این صورت آنچه امیر کهریزه باید با آن عمل نمود
که سلامتی مقدم بوده و خواهد بود و انسان در موقع صحبت
و سلامت میتواند احکام خدرا را اجرا کند .

ج - شخص بهائی باید دستورات الهی را بکمال دقت
اجرا نماید وقتی میفرمایند طبیب باید حاذق باشد باید
اول دقت و تحقیق نمود که کدام طبیب حاذق و درfen خود -
ماهر و با تجریه است بعد با مراجعه نمود زیرا در چند جا
تکرار فرموده اند که طبیب باید حاذق باشد .

۵ - استحضار از حضور و غیاب شاگردان

۶ - معاینه نظافت آنان

۷ - ملاقات ختم

۸ - سفارش آموزگار

روز چهاردهم

موضوع اساسی - نهی از سرتراشی و گیسو گذاشتن مردان
جريان درس

۱ - ملاقات شروع

۲ - تکرار درس قبل

۲- تنفس

۴- بیان موضوع اساسی حاوی مطالب ذیل :

الف - حضرت بها ^ء الله در کتاب مستطاب اقدس -

تراشیدن سر رامنعن فرموده اند و همچنین دستور داده اند

که نباید موی سرمهدان از حد گوش تجاوز کند یعنی مردها

نباید مثل درویش ^{۱۵} گیسو بگذارند .

ب - حضرت عبدالبهاء ^ء میفرمایند .

جادا سر را موقخلق شده یعنی است که در آن حکمتی است

لهذا حلق رأس (یعنی تراشیدن موی سر) مضر است .

ج - بر اطمباهم ثابت شده که تراشیدن سر ضرر دارد -

لهذا مابهائیان بمحاجب این بیان بایداز سرتراشیدن -

احتراز کیم و مردها هم گیسو نگذارند .

۵- استحضار از حضور و غیاب شاگردان

۶- معاينه نظافت آنان

۷- مناجات ختم

۸- سفارش آموزگار

روز پانزدهم

موضوع اساسی - تعلیم مناجات

جریان درس

۱- مناجات شروع

۲- تکرار درس قبل

۳- تنفس

۴- تعلیم قسمتی از این مناجات مبارک بـ

الها معبودا

از تو ام و بتو آدم قلب را بنور معرفت منیر فرماتوئی مقتدر يك
قدرت عالم و ام از اقتدارت باز نداشت از يك اشراق از نير
كرمت درياهای کرم ظاهر وازيك تجلی از نير جودت عالم
وجود موجود اي پروردگار آنچه لائق ايامت نیست اخذ نما
آنچه قابل است عطا فرما توئی آن بخشنده ئي که بخشست
محمد و بحد و د نه عباد تؤيم تورا میجويئم و از تو میطلبیم توئی
فضائل و توئی بخشنده .

۵- استحضار از حضور و غیاب شاگردان

۶- معاينه نظافت آنان

۷- مناجات ختم

۸- سفارش آموزگار

روز شانزدهم

موضوع اساسی - تعلیم قسمت دوم از مناجات روز شانزدهم

جريان درس

۱- مناجات شروع

۲- تکرار درس قبل

۳- تنفس

- ۴- تعلیم قسمت دوم از مناجات مبارک
- ۵- استحضار از حضور و غیاب شاگردان
- ۶- معاينه نظافت آنان
- ۷- مناجات ختم
- ۸- سفارش آموزگار

روز هفدهم

موضوع اساسی - تکرار تمام مناجات مبارک

جريان درس

- ۱- مناجات شروع
- ۲- تکرار مناجات مبارک
- ۳- تنفس
- ۴- تکرار دروس قبل با نظر آموزگار
- ۵- استحضار از حضور و غیاب شاگردان
- ۶- معاينه نظافت آنان
- ۷- مناجات ختم
- ۸- سفارش آموزگار

روز هیجدهم

موضوع اساسی - مختصر ترجمه حیات مبارک حضرت عبدالبهای

جريان درس

۱- مناجات شروع

۲- بیان موضوع اساس حاوی مطالب ذیل :

الف - حضرت عبدالبهٰ ؎ فرزند ارشد حضرت بهاء الله
در همان شبی که حضرت نقطه اولی در شیراز اظهار امر فرمود
در طهران تولد یافتند و اسم مبارکشان عباس است .

ب - حضرت عبدالبهٰ ؎ بر حسب بیان مبارک خودشان
از همان اوان کودک میل شدیدی بخواندن و شنیدن آیات
حضرت اعلیٰ داشته اند و عادت مبارک این بود که آثار حضرت
نقطه اولی را از بزمی فرموده اند .

ج - وقتی حضرت بهاء الله با خانواده از ایران به بغداد سرگون شدند حضرت عبدالبهٰ ۹ ساله بودند
و در بغداد در سن ۱۲ سالگی چنان در علم و فضل و کمال بین
مردم مشهور شدند که همه ایشان را حکیم جوان مینامیدند
د - حضرت عبدالبهٰ در تمام سفرها همراه حضرت
بهاء الله بوده و با آن حضرت از طهران ببغداد و از بغداد
به ادرنه و از ادرنه بعکا نفی و سرگون گردیده اند .

ه - حضرت عبدالبهٰ اطفال را بسیار دوست میداشتند
و مکرر می فرموده اند که "اطفال زینت خانه اند منزلی که
طفل ند ارد مثل این است که چرا غندارد ."

و - شما اطفال عزیز البته عکسهای مبارک حضرت عبدالبهٰ

راچه در جوانی وچه در پیری دیده اید و ملاحظه نموده اید
که ایشان دارای قاعده معتدل و چهره جذاب بوده اند غالباً
قبا ولباده سفید - در برداشته اند و کلاهشان عبارت از -
مولوی سفید بوده است بطوری سیمای حضرت عبدالبهاء
نورانی وجذاب بوده که کسی یافت نمیشد که با ایشان رو ببرو
شود و بر بزرگواری و جلال ایشان شهادت ندهد .

ز - حضرت عبدالبهاء نسبت بفقرا بسیار مهربان بوده
و همیشه آنها انعام میفرموده و از آنان نگهداری مینموده اند
تبصره - آموزگاران محترم از حکایاتی که راجع بحضرت
عبدالبهاء در کتابهای اول و دوم و چهارم و پنجم و ششم
درس اخلاق وارد شده در این کلاس کاملاً استفاده و مارا از
نقل و اعاده آن در این مقام مستغنى نمایند بدیهی است
همانطور که در رساله اصول تدریس دروس اخلاقیه مرقوم از
مجموعه ها و آلبومهاییکه حاوی شمایل مبارک حضرت مولی
الوری است برای ارائه با طفال باید کاملاً استفاده شود
ج - حضرت عبدالبهاء بارویا و امریکا مسافرت فرموده و
مردم آنسامان را با مرخد خوانده و برآه راست هدایت و
دلالت فرموده اند .

ط - حضرت عبدالبهاء مولا و مقتداری منصوص اهل بها
در سن هشتاد سالگی در ارض اقدس حیفا صعود فرموده و

مقام مبارکشان در کوه مقدس کرمل بریاست ۰

۳- تنفس

۴- استحضار از حضور و غیاب شاگردان

۵- معاینه نظافت آنان

۶- مناجات ختم

۷- سفارش آموزگار

روز نوزدهم

موضوع اساسی - لزوم محبت بفقرا ^۴ و رعایت بینوایان ۰

۱۰- مناجات شروع

۱۱- تکرار درس قبل بتفصیل

۱۲- تنفس

۱۳- بیان موضوع اساسی حاوی مطالب ذیل :

الف- جمال مبارک بسیار تأکید فرموده اند که باید فقرارا

رعایت نمود و بآنها کمک کرد در کلمات مکتوبه میفرمایند ۰

اغنیا را از زناله سحرگاهی فقرا اخبار کنید که مبادا از -

عقلت بهلاکت افتدند و در همین کتاب مستطاپ میفرمایند ۰

ای اغنیای ارضی فقرا امانت عقد شرمندیان شما پس امانت مرا

درست حفظ نماید و برآحت نفس خود تمام نبردازید

تبصره - از برگردان بیانات مبارک حقیقت نیست

ب - حضرت عبدالبهاء ^۴ میفرمایند :

فقرا هرجند در پیش خلق ذلیل مستند ولی ^{عَنْدَ اللَّهِ عَزِيزَنَد}
فقرا امانت خداوند و کمک بآنها خیلی مقبول مثل آن -
میاند که انسان زین تشه را سیراب کند .

ج - حضرت عبدالبها ^ء خودشان همیشه بنقرا ^ء احسان
میفرمودند و از ایشان رعایت مینمودند و ما هم باید باز هضرت
تأسی کنیم ولی عطا با شخصیکه شفشاون گدائی و تکددی
است جائز نه

۵ - استحضار از حضور و غیاب شاگردان

۶ - معاینه نظافت آنان

۷ - مناجات ختم

۸ - سفارش آموزگار

روز بیستم

موضوع اساسی - نهی از دروغ

حریان درس

۱ - مناجات شروع

۲ - تکریرد درس قبل

۳ - تنفس

۴ - بیان موضوع اساسی حاوی مطالب ذیل :

الف - حضرت بها ^ء الله مکرر باهل بها امر فرموده اند
که زبان راه رگز بدروع نیالایند و جز راستی محض کلمه ئیں

نگویند

ب - حضرت بها « الله میفرمایند » :

« زیان گواه راستی من است اورا بدروغ میالائید » .

ج - حضرت عبدالبهاء^۱ بیانی باین مضمون میفرمایند که بدترین اخلاق که اساس جمیع بدیهاست دروغ است و از این بدتر صفتی در وجود تصور نشود اساس تما اخلاق بست و زیل است جمیع کاهها بیکطرف و دروغ بیکطرف بلکه گناه دروغ بیشتر و ضرر شر زیادتر است .

د - این بیان مبارک حضرت عبدالبهاء^۲ را اطفال عزیز از بر نمایند « راست گو کفر بگو بهتر از آن است که کلمه ایمان بر زیان رانی و دروغ گوئی » .

۵ - استحضار از حضور و غیاب شاگردان

۶ - معاینه نظافت آنان

۷ - مناجات ختم

۸ - سفارش آموزگار

روز بیست و پنجم

موضوع اساسی - نهی از آزار بر جوان

جریان درس

۱ - مناجات شروع

۲ - تکرار درس قبل

۳- تنفس

۴- بیان موضوع اساسی حاوی مطالب ذیل :

الف - حضرت بها ء الله در کتاب مستطاب اقدس بیانی
باین مضمون میفرمایند که بر حیوان بیش از توانائی او بار -
نکنید و همیشه عدل و انصاف را رعایت نمائید .

ب - حضرت عبدالبهاء در این خصوص بسیار سفارش
فرموده و بیاناتی باین مضمون از قلم مبارک جاری شد « حیوان
هم مانند انسان نزد اهل حقیقت بسیار عزیز است و انسان
باید هم با انسان و هم بحیوان مهریان باشد و بقدر امکان در
راحت و حفظ حیوان بکوشد حیوان با انسان در احساسات
جسمانی شریک است ولهذا اگر کسی بحیوان اذیت کند
مانند آن است که با انسان اذیت کرد ، ابداً فرقی ندارد بلکه
اذیت بحیوان ضرریش بیشتر است زیرا انسان زبان دارد که
آه و ناله کند و شکایت نماید ولی حیوان بیچاره زبان بسته
و نمیتواند شکوه و شکایت نماید پس باید بحیوان بیشتر از انسان
رحم نمود اطفال باید نوع تربیت شوئد که بسیار بحیوان
مهریان باشند اگر حیوان مرض است در علاج او بکوشند اگر
گرسنه است خوراک بدند اگر تشنگ است سیراب کنند اگر
خسته است در راحتی بکوشند مگر حیوانات در نده و اذیت
کنند که رحم آنها ظلم برد یگران است مثل گرگ خوانخوار

و مارگونده و سائر حیوانات مودی خلاصه از این قبیل تأکیداً
بسیار فرموده اند که اهل بها هرگز باید حیوانی را ذیت
نمایند.

۵- استحضار از حضور و غیاب شاگردان

۶- معاینه نظافت آنان

۷- مناجات ختم

۸- سفارنی آموزگار

روز بیست و دوم

موضوع اساسی - نهی از آنچه که انسان را مکدر نماید.

جریان درس

۱- مناجات شروع

۲- تکرار درس قبل

۳- تنفس

۴- بیان موضوع اساسی حاوی مطالب ذیل :

الف - حضرت بها ^{الله} در کتاب مستطاب اقدس بیانی
باین مفہومون میفرمایند که آنچه را بخود نمی پسندید بدیگری
هم میسندید در لوحی دیگر میفرمایند.

"هر یک از مؤمنین سائرین را مثل خود مشاهده نمایند."

در اینصورت چون ماراضن نیستیم که کسی قلب ما را برنجاند

و مارا محزون و مکدر کند البته نبایستن ما هم قلب دیگران

را برنجانیم و آنها را مکدر و محزون کنیم .

ب - در لوحی حضرت بھا ؓ اللہ میفرمايند :

"سان از براى ذكر حن است حیف است کلعتی
تكلم نماید که سبب حزن عباد و تکر راست ۰ ۰ " و همچنین
بيانی باين مضمون میفرمايند که از هر کاری که بقدر سرموئی
بوی حزن کسی ازا و بعشا رسد بهائیان بایدا ز آن کار
دوری کنند همچنانکه از مار پر عیز مینمايند و در لوحی دیگر
میفرمايند .

"سبب حزن میشوید ۰ ۰ "

ج - حضرت عبدالبھا ؓ بياناتی باين مضمون میفرمايند
بهترین انسان کسی است که قلبها را بدست آرد و خاطر
کسی را نیازارد و بدترین اشخاص کسی است که قلبها را
مکدر نماید و سبب حزن مردمان شود همیشه بکوشید که
اشخاص را خوشحال و قلبها را مسرور و شادمان نماید هر
کس سبب کد ورت دیگری شود نزد خداگه کار است مبادا
قلبی را آزده نمائید و کسی را برنجانید همیشه مقصد تان
این باشد که دلی را شاد و مسرور کنید خلاصه در این خصی
بسیار تاکید و نصیحت فرموده اند که مبادا مبادا ما اهل بھا
قلب کسی را برنجانیم و نفسی را مکدر و محزون کنیم .

۵ - استحضار از حضور و غیاب شاگردان

۶- معاينه نظافت آنان

۷- مناجات ختم

۸- سفارش آموزگار

روز بیست و سوم

موضوع اساسی تعلیم مناجات

جريان درس

۱- مناجات شروع

۲- تکرار درس قبل

۳- تنفس

۴- تعلیم این مناجات

ای پروردگار

خطیئات این نفوس را عفو کن و سیئات این ذلیلان را ستر
 نمایتو واقعی تو عالمی تو مطلعی تو آگاهی ماگه کارم ماختا
 کارم ماغافلیم مازا هلیم تو عفوی تو غفوری تو بزرگواری تو
 آمرزگاری انك انت التواب الستار ع

۵- استحضار از حضور و غیاب شاگردان

۶- معاينه نظافت آنان

۷- مناجات ختم

۸- سفارش آموزگار

روز بیست و چهارم

موضوع اساسی - تکرار درس قبل

جريان درس

۱ - مناجات شروع

۲ - تکرار درس قبل

۳ - تنفس

۴ - تکرار دروس گذشته با نظر آموزگار

۵ - استحضار از حضور و غیاب شاگردان

۶ - معاينه نظافت آنان

۷ - مناجات ختم

۸ - سفارش آموزگار

روز بیست و پنجم

موضوع اساسی - خداوند بر اسرار قلوب آگاه است

جريان درس

۱ - مناجات شروع

۲ - تکرار مناجات روز بیست و سوم

۳ - تنفس

۴ - بیان موضوع اساسی حلولی مطالب ذیل :

الف - خداوند بر اسرار قلب بندگان خود آگاه است

و هیچ چیز از او پوشیده وینهان نیست احوال و رفتار مسرا

میبینند .

ب - خداوند افکار ما را میخواند - گفتار مارا میشنود
و در خلوت و جلوت باعاست و نهان آشکار برای او یکسان
است .

ج - حضرت بها ؟ الله بیاناتی باین مضمون فرموده اندکه
هرچه مادر قلب هامان پنهان کنیم نزد خداوند چون روز
 واضح آشکار و روشن است و هیچ چیز از خداوند پوشیده
نیست و جمیع اعمال و کدار و گفتار مردم نزد او مشهود و -
 واضح است شخص بهائی هرفکری میگرد و هر حرفی که میزند
وبهر کاری که دست میزند باید بداند که خداوند شاهد و
ناظر اعمال اوست و هیچ چیز از خداوند پوشیده و نهان
نیست .

۵ - استحضار از حضور و غیاب شاگردان

۶ - معاينه نظافت آنان

۷ - مناجات ختم

۸ - سفارش آموزگار

روز بیست و ششم

موضوع اساسی - حضرت ولی امرالله

جریان درس

۱ - مناجات شروع

۲ - تکرار درس قبل

۳- تنفس

۴- بیان موضوع اساسی حاوی مطالب ذیل :

الف - بعد از صعود حضرت عبدالبهٰ^۴ الواح مبارکه وصایا که باز شد معلوم گردید که حضرت شوقي افندی ریانی نوی ارند حضرت عبدالبهٰ^۴ ولی امرالله عستند و بهائیان عالم باید بایشان توجه داشته باشند و امرایشان را الطاعت کنند .

ب - مخصوصاً حضرت عبدالبهٰ^۴ در چند جای الواح وصایا تأکید فرموده اند که هر کس با حضرت ولی امرالله یعنی حضرت شوقي ریانی مخالفت کند با خدا مخالفت کرده و باید چنین شخصی را نورا از بین بهائیان بیرون کند و ابداً از او بهانه‌ئی قبول ننمایند .

ج - حضرت ولی امرالله در شهر مقدس حیفا در همان خانه ئی که حضرت عبدالبهٰ^۴ تشریف داشتند زندگانی می‌فرمودند و شب و روز اوقات مبارکشان صرف هدایت و تربیت مابهائیان وسائل مردمان می‌شد .

د - در زمان مبارک حضرت ولی امرالله امرالله در تمام روی زمین منتشر شد و ما بهرجا که رو آریم برادران و خواهران روحانی خود را خواهیم یافت .

۵ - حضرت شوقي ریانی ولی امرالله از ماهل بهـ

متوقع و منتظر چنانند که شب و روز بخدمت قیام نمائیم و هر کدام از ما آنچه از دستش برسیاید برای پیشرفت امرالله انجام دهند .

و - اطفال و جوانان هم بخوبی میتوانند با مرخد اخذ ملت کنند مثلاً اگر اطفال بهائی از مدرسه و کوچه و خانه خلاصه در همه جا با خلاق بهائی ظاهر شوند و آنطور که حضرت بهاء الله خواسته اند رقتار نمایند و اخلاق و آداب شان مطابق دستور حای مبارک باشد یعنی خوش اخلاق باشند غیبت نکنند سخن زشت بر زبان نرانند - قلب کسی را نزن جاند پاک و تمیز باشند - ادب بهائی را میشه رعایت کنند ازید رومادر اطاعت نمایند - بانسان و حیوان آزار نرسانند دروغ نگویند خلاصه بهائی باشند و همانطور که در کلاس های درس اخلاق تعلیم شده از هرجهت آراسته با خلاق الهی شوند البته همین اعمال را فتاوی خلاق اطفال بهائی مبلغ دیگران - خواهد بود و همه را با مرخد حضرت بهاء الله متوجه خواهد کرد و همه خواهند فهمید که اطفال بهائی بواسطه بهائی بودن از دیگران ممتاز شده اند و با سائرین فرق دارند آنوقت البته آنها هم از امر حضرت بهاء الله خوش شان خواهد آمد و آرزو خواهند کرد که اطفال آنها هم بروح بهائی تربیت شوند پس حضرت ولی امرالله از هم مملوکه بزرگ و چه

کوچک متوجهند که بسم خودمان خدمت با مردم حضرت بهاءالله
بکیم و آنطور که خداخواسته بین مردم ظاهر شویم .
و حضرت ولی امرالله جامعه بهائی را در تمام دنیا
اداره میفرمودند بهمه دستور میدادند تکلیف همه رامعین
میفرمودند ^{نه} را راهنمایی و دلالت میکردند و ما بهائیان —
الحمد لله خیلی خوشبخت و خوشوقت هستیم که درسایه
چنین مولای عزیزی زندگانی کرده ایم (از تمثیلهای مبارک
دراین درس استفاده شود)

۵— استحضار از حضور و غیاب شاگردان

۶— معاینه نظافت آنان

۷— مناجات ختم

۸— سفارش آموزگار

روز بیست و هفتم

موضوع اساسی — تعلیم مناجات

جريان درس

۱— مناجات شروع

۲— تکرار درس قبل

۳— تنفس

۴— تعلیم این مناجات مبارک

حواله

ای خدا! مهریان نبا، عظیمت را با سبای غیبی در عالم
 امکان نسرتی سریع بخش و پاران ایرانرا در این سبیل به
 خدماتی فائق موفق کن سراپرده وحدت عالم انسانی رادر
 قطب آفای بمحجوب تعالیم ریانیه ات مرتفع نما و پاران آن —
 سامان رادر سایه آن خیمه یکنگ در انتظار عالم جلوه ده این
 حزب متشتت رادر ظل لوا، میناقت ناصراً مظفراً جمع کسن
 و هریک را عزیز دوچهان فرما آلا، و نعم مادی و معنوی را
 برخادمان جانشان امرت مبدول کن و این بندگان با وفايت
 رادر ملکوت خویش بتوابی جزيل فائز و نائل فرما .
 بندگ آستانش شوقی

۵— استحضار از حضور و غیاب شاگردان

۶— معاينه نظافت آنان

۷— مناجات ختم

۸— سفارش آموزگار

روز بیست و هشت

موضوع اساسی — تکرار درس قبل

جیان درس

۱— مناجات شروع

۲— تکرار مناجات هفته گذشته

۳- تنفس

۴- تکرار درس گذشته با نظر آموزگار

۵- استحضار از حضور و غیاب شاگردان

۶- معاینه نظافت آنان

۷- مناجات ختم

۸- سفارش آموزگار

روز بیست و نهم

موضوع اساسی - رعایت و اطاعت از والدین

جریان درس

۱- مناجات شروع

۲- بیان موضوع اساسی حاوی مطالب ذیل :

الف - ادب در امر مقدس بهائی بسیار پسندیده و محبوب است و در سیاری از الواح حضرت بها ؓ الله باهله بهای امر فرموده اند که باید همیشه با ادب باشند و از آنچه که بیرون از دائره ادب و اخلاق باشند وری کنند .

ب - از همه مهمتر اطاعت از والدین و رعایت ادب نسبت به ایشان است یعنی هر فرزندی باید از پدر و مادر خود نهایت اطاعت و تمکن را داشته باشد و کمال ادب را راجع به ایشان رعایت کند .

ج - حضرت بها ؓ الله در آنی خصوص خیلی تأکید فرموده

ویانی باین مضمون فرموده اند :

بعد از شناسائی خدا بر هر فردی مراعات حقوق والدین لازم است - اطاعت والدین در مقام اطاعت از خداست مبادا با مری مرتكب بشوید که پدر و مادر شما از آن محروم شوند بخدمت پدر و مادر تان قیام نمایید . و تیز می فرمایند : "اناکتبنا لکل ابن خدمه ایشیه " (۱)

د - حضرت عبدالبهاء^۲ بیاناتی باین مضمون می فرمایند . پدر و مادر خیلی رنج و زحمت برای اولاد تحمل مینمایند و بیشتر وقتی اولادشان بسن رشد میرسند از این عالم بعالی دیگر میروند و خیلی کم اتفاق میافتد که پدر و مادر در مقابل زحمتهای که کشیده اند از اولاد در این دنیا مكافات بینند پس باید اولاد در مقابل زحمتها و مشقتها پدر و مادر بعد از فوت ایشان خیرات و میراث کنند و بفقرا انفاق نمایند پدرگاه الهی دعا و مناجات کنند که خداوند آنها را غفو و غفران فرماید ه - با وجود اینهمه تأکید و نصیحت البته اطفال بهائی باید خیلی پدر و مادر خود را احترام نمایند و تهایت ادب را نسبت بایشان رعایت کنند - از اطاعت آنها سریچن ننمایند همیشه بفرمانشان باشند والبته پدر و مادر بهائی هم هرگز کلمه ئی برخلاف دستور خدا و بیانات حضرت بهما^۳ الله^۴ با اطفال خود نخواهند گفت و جز خیر و سعادت آتیها منظوري

(۱) مضمون آن این است که بر شرف زندگی خدمت پسر

وابد است .

خواهند داشت و همیشه سعی خواهند نمود که اولاد آنها
اوامر حضرت بها * الله را اطاعت کند .
آن موضع خیلی مهم است و اطفال بهائی باید همیشه از
والدین خود اطاعت نمایند .

تبصره - آموزگاران محترم هر قدر بتوانند در موضوع
ادب ، اطاعت از والدین با اطفال نصیحت نمایند بجا خواهد
بود .

۳ - تنفس

- ۴ - تکرار دروس گذشته بشرح ذیل :
- الف - مختصر تاریخ حیات مبارک حضرت نقطه اولی .
- ب - احوال بایان بعد از شهادت حضرت اعلی .
- ج - قیام حضرت بها * الله بحفظ و حراست بایان
- د - مختصر تاریخ حیات مبارک حضرت بها * الله
- هـ - وجوب نظافت و گیزگی
- و - وجوب تلاوت آیات الہی در صبح و شام
- ز - مناجات مبارک (الہا کریما رحیما)
- ح - نهی از غیبت
- ط - لزوم مراجعه بطیب حاذق
- ی - نهی از سرتراشی و گیسو گذاشت مردان
- ک - مناجات مبارک (الہا معبد)

ل - مختصر ترجمه حیات مبارک حضرت عبدالبهاء *

م - لزو، محبت بفقر و رعایت بینوایان

ن - نهی از دروغ

س - نهی از آزار بر حیوان

ع - نهی از آنچه که انسان را مکدر نماید *

ف - مناجات مبارک (ای پروردگار)

ص - خداوند بر اسرار قلوب آگاه است

ق - مختصر ترجمه حیات مبارک حضرت ولی امرالله

ر - تعلیم مناجات مبارک (ای خداوند مهریان)

ش - رعایت ادب و اطاعت از والدین

ه - استحضار از حضور و غیاب شاگردان

۶ - معاینه نظافت آنان

۷ - مناجات ختم

۸ - سفارش آموزگار

روز سی ام

۱ بیان پرگرام جشن کلاس باشکوه کلیه شاگردان

خاتمه

× × × × × + ×

× × ×

× × ×

×

صورت لغات کتاب چهارم درس اخلاق

—————

روز اول

| | |
|-------------------|--------------|
| شاگرد | ۷- متعلم |
| باعم آشناشدن | ۲- معرفه |
| سال گذشته | ۳- سنہ ماگیہ |
| تنها - بطور مستقل | ۴- علیحدہ |

روز چهارم

| | |
|-------------------------|--------------|
| رفتا رای پسندیده | ۱- صفات حسنہ |
| مایل | ۲- راغب |
| مزد | ۳- بشارت |
| سر در آوردن آفتاب وغیره | ۴- طلوع |
| انجام - آخر کار | ۵- عاقبت |

روز پنجم

| | |
|----------------------------------|----------|
| کشته شدن در راه خدا - گواہی دادن | ۱- شہادت |
| ظلم و جور | ۲- ستم |
| دشمنی | ۳- عداوت |
| با هم - همراه یکدیگر | ۴- متفقا |
| بیا خواستن | ۵- تیام |
| خداوند | ۶- یزدان |

| | | | |
|-----------------|-------------------------------|-----------------|-------------------------------|
| ۱۰ - کردکار | آفریدگار - خدا | ۷ - ملال | افسردگی - پژوهشگی خاطر |
| ۸ - فرد (شعر) | یک بیت شعر | ۸ - فرد (شعر) | یک بیت شعر |
| ۹ - کفار (کفر) | کسانی که بدین خداعقیده ندارند | ۹ - کفار (کفر) | کسانی که بدین خداعقیده ندارند |
| ۱۱ - سراشیب | سرازیر | ۱۱ - سراشیب | سرازیر |
| روز ششم | | | |
| ۱ - گیرودار | گرفتاری - جنگ وجودال | ۱ - گیرودار | گرفتاری - جنگ وجودال |
| ۲ - استقامت | پایداری کردن | ۲ - استقامت | پایداری کردن |
| ۳ - ندا | صدا - آواز | ۳ - ندا | صدا - آواز |
| ۴ - محو شدن | ازیین رفتن | ۴ - محو شدن | ازیین رفتن |
| ۵ - ترویج | نشرکردن - منتشرساختن | ۵ - ترویج | نشرکردن - منتشرساختن |
| ۶ - تشویق | برسرشوق آوردن | ۶ - تشویق | برسرشوق آوردن |
| ۷ - سیاه چال | زیرزمین تاریک | ۷ - سیاه چال | زیرزمین تاریک |
| ۸ - محبوس | گرفتار - زندانی | ۸ - محبوس | گرفتار - زندانی |
| ۹ - هولناک | سبب ترس و وحشت | ۹ - هولناک | سبب ترس و وحشت |
| ۱۰ - دخمه | دalan تنگ و چاوتاریک | ۱۰ - دخمه | دalan تنگ و چاوتاریک |
| روز هفتم | | | |
| ۱ - فغان | ناله و فریاد | ۱ - فغان | ناله و فریاد |
| ۲ - یار و اغیار | د وست و بیگانه | ۲ - یار و اغیار | د وست و بیگانه |
| ۳ - سیروصفا | گردش و تفریح گل دشت | ۳ - سیروصفا | گردش و تفریح گل دشت |

| | |
|----------------|-----------------------------|
| ۱- ماجد و ب | مايل - كشيده شده |
| ۲- درنگ | تأمل کردن - صبر کردن |
| ۳- ياري کردن | كمک و مساعدت |
| ۴- علنا | آشكارا |
| ۵- تبلیغ کردن | رساندن کلمه خدارا بگوش مردم |
| ۶- سرگون شدن | ازوطن بيرون کردن |
| ۷- سجن | ازوطن درساختن |
| ۸- عائله | زن و فرزند |
| ۹- زندان | زنداي |
| ۱۰- مسجون | زنداي - محبوس |
| ۱۱- دلالت کردن | راهنماي کردن |

روز هشتم

| | |
|----------------|-------------------|
| ۱- وجوب | لارقم بودن |
| ۲- فيض الهى | بخشن خداوندي |
| ۳- محروم بودن | بي بهره - بي نصيب |
| ۴- طهارت | پاكيزگي |
| ۵- تأثير داشتن | اتركردن در چيزى |
| ۶- مقبول | پسندیده |
| ۷- كيريا | خداوند بزرگوار |
| ۸- منصوص | آشكارابيان شده |

٩ - متغصن بدبوی

١٠ - احوال حالات مختلفه

١١ - استحمام با آب گرم بدن راشستن

١٢ - تأکید درباره مطلبی سفارش کردن

١٣ - بروفن مطابق - برحسب

روزنامه

١ - الواح (لوح) آيات الهیه

٢ - مناجات راز و نیاز کردن

٣ - آیه (آیات) کلمات خداوند

روز دیگر

١ - سلطان پادشاه

٢ - وجود حیمتی

٣ - موجود شدن حست شدن

٤ - کریم بخشند

٥ - ظهرات جود آشکارشدن بخشش خدا

٦ - فائز کردن بهره مند ساختن - بعقصود رسید

٧ - نجات از بلا رها یافتن

٨ - عوالم جهان

٩ - مقتدر توانا

| | |
|-----------------------------------|----------------|
| بد گوئی از مردم بصفتیکه در آن—ان | ۱—غیبت |
| موجود باشد | |
| نسبت را در ن صفتی بکسی که آن | ۲—افتراء |
| صفت دارا و موجود نباشد | |
| ناروا ساختن — منع کردن | ۳—حرام کردن |
| محکم — متین | ۴—اکید |
| نبودن شخصی — غایب بودن | ۵—غیاب |
| کسیکه از وطنش بجای دیگر برود | ۶—مهاجر |
| زبان | ۷—لسان |
| نام خدا بر زبان راندند — یار آوری | ۸—ذکر |
| کردن | |
| قوه ئی که انسان را بگاره—ای بد | ۹—نفس ناری |
| و امید ارد | |
| صفات ناپسند — نقص | ۱۰—عيوب (عيوب |
| بزرگ | ۱۱—عظيم |
| مورد دشمنی و گینه مردم | ۱۲—صیفوش |
| رشت روی — ناپسند | ۱۳—گریه |
| نفرین | ۱۴—لغت |

| | |
|---|-----------------|
| جلو افتادن | ۱ - مقدم بودن |
| پژشک ماهر که اصراراًش را تشخیص دهد | ۲ - طبیب حاذق |
| پیشه - قسمتی از معلومات مانند طبابت وغیره | ۳ - فن |
| استاد - طبیی که امراًش را بخوبی تشخیص بدهد | ۴ - ماهر |
| رجوع کردن - برای کاری نزد کسی رفتن | ۵ - مراجعت کردن |
| روز چهاردهم | ۶ - |
| تا وقتیگه | ۱ - مادرام |
| دانائی - مصلحت | ۲ - حکمت |
| تراشیدن سر | ۳ - حلق رأس |
| دوری کردن | ۴ - احتراز کردن |
| روزیانزد هم | |
| مورد پرستش - خداوند | ۱ - معبود |
| شناسائی | ۲ - معرفت |
| روشن | ۳ - منیر |
| تابیدن | ۴ - اشراق |

- ۱- غفلت بی خبری - توجه نکردن
- ۲- اخبار کردن خبر دادن بکسی
- ۳- اغایا توانگران - ثروتمندان
- ۴- روز نوزدهم
- ۵- سامان زیر و لینعمت - آقا
- ۶- سامان زیر شهر - مملکت - زندگانی مرتب
- ۷- معتقدی کسیکه مردم ازاو پیروی میکنند
- ۸- منصوص تصریح شده - آشکارا بیان شده
- ۹- ارعای اتفاقات - جسم نورانی
- ۱۰- محتدل متناسب - متوسط - نه کوتاه و نه بلند
- ۱۱- قدر انسان قد انسان
- ۱۲- فضال بخشند
- ۱۳- اعیاد (عید) جشن ها
- ۱۴- حدود احکام و قوانین
- ۱۵- سحد ود چیزیکه اطرافش گرفته باشد
- ۱۶- تجلى تابندگی - آشکار شدن
- ۱۷- نیر آفتاب

| | |
|--------------------------|-------------|
| درستی و صحت عمل — خیانت | ۴—امانت |
| نکردن | |
| خوار | ۵—ذلیل |
| پیروی کردن از کسی | ۶—تأسی کردن |
| گدائی کردن — دست دراز | ۷—تکدی |
| کردن پیش کسی | |
| شاهد | ۸—گواه |
| روز بیستم | |
| بست و ناکس | ۱—ردیل |
| روز بیست و پنجم | |
| داد رسی کردن | ۱—عدل |
| از روی واقع داد رسی کردن | ۲—انصاف |
| آزار رساننده | ۳—مزدی |
| روز بیست و دوم | |
| بینی — قوه شامه | ۱—مشام |
| روز بیست و سوم | |
| گناهان | ۱—خطیئات |
| گناهان — کارهای زشت | ۲—سینئات |
| پرده پوشی کردن | ۳—ستر نمودن |
| غافل — بی خبر | ۴—ذاعل |

- | | |
|---------------------------------------|---------------|
| عفو کننده بخشندۀ گناهان | ۵- عفو |
| آمرزگار | ۶- غفور |
| هملتات و هستی توبه پذیر و پرده | ۷- انك انت |
| التواب الستار پوش بگناهان بندگان | |
| روز بیست و پنجم | |
| اسرار (سر) مطلب‌های پنهان | ۱- اسرار (سر) |
| جائی که کس پیش انسان نباشد | ۲- خلوت |
| در جلو چشم مرد - در حضو مرد | ۳- جلوت |
| روز بیست و ششم | |
| زینت یافته | ۱- آراسته |
| قسمت - بهره - نصیب تیر | ۲- سهم |
| روز بیست و هفتم | |
| خبر | ۱- نبا |
| جهان جسمانی | ۲- عالم امکان |
| یاری کردن | ۳- نصرت |
| تند - تندر و | ۴- سریع |
| کسی که بر دیگران مزیت و ترجیح دارد | ۵- فائت |

| | |
|------------------------|----------------|
| فراهم کردن وسائل برای | ۶ - موفق کردن |
| انسان تا مقصدش برسد | |
| خیمه | ۷ - سرآپرده |
| مرکز جهان | ۸ - قطب آفاق |
| بلند | ۹ - مرتفع |
| نشان دادن - مقابل چشم | ۱۰ - جلوه دادن |
| مردم قراردادن | |
| دسته - جمعیت - گروه | ۱۱ - حزب |
| پرشان - پراکند - متفرق | ۱۲ - متشتت |
| پرچم - علم - بیرق | ۱۳ - لوا |
| فیروزمند | ۱۴ - مظفر |
| نعمت‌ها | ۱۵ - آلا |
| نعمت‌ها | ۱۶ - نعم |
| مزد - اجر | ۱۷ - نواب |
| فراوان | ۱۸ - جزيل |
| روز بیست و نهم | |
| پاداش عمل خوب | ۱ - مكافات |
| کارهای خوب | ۲ - خیرات |
| کارهای خوب و سندید | ۳ - مبرات |
| در راه خدا خرج کردن | ۴ - انفاق |

آمژش گاهان

۵ - غفران

× × × × × × × × ×

× × × × × × ×

× × × × ×

× × × ×

× ×

×